

جہنگ نامہ ہی مہ نمی

تحقیق و گردآوری:

زاهد رضائی

بہاء الدین رحیمی



مشخصات نشر	: سندج: نو بیان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص: مصور (بخشی رنگی).
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۱-۸۲-۹۲۴۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - کردی.
یادداشت	: کتابخانه.
موضوع	: شعر کردی - قرن ۱۳ ق.
موضوع	: مندرجی - تاریخ
شناسه افزوده	: رضایی، زاهد، ۱۳۶۳ - گردآورنده
شناسه افزوده	: رحیمی، بهاء‌الدین، ۱۳۵۱ - گردآورنده
رده‌بندی کنگره	: R ۳۲۵۶ P ۱۳۹۱۷۴۳ س ۶۸ م
رده‌بندی دیویی	: ۲۱/۹۵۸
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۲۸۵۰۴۶۴



سندج - صندوق پستی:

همراه: ۰۹۱۸۸۷۷۴۳۹۹

عکس، طراحی جلد و صفحه‌آرایی: ژاله بولینی

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

تحقیق و گردآوری: زاهد رضایی، بهاء‌الدین رحیمی.

ویراستار: نجم‌الدین براخاصی (هه‌وار)

شابک: ۱-۲-۹۲۴۰۸-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۳

حق چاپ محفوظ است.

قیمت: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

فهرست

سخنی درباره‌ی کتاب حاضر.....	صفحه ۷
راجع به ایل مندمی (مهنمی).....	صفحه ۱۱
کردستان در جنگ جهانی اول.....	صفحه ۱۵
علل مخالفت با ایل مندمی و سرکوب آنها.....	صفحه ۲۳
منابع.....	صفحه ۳۵
سخنی کوتاه درباره اشعار جنگ‌نامه.....	صفحه ۳۷
جنگ نامه.....	صفحه ۳۹
عکس.....	صفحه ۱۵۷

سخنی درباره‌ی کتاب حاضر:

آن چه که در این کتاب به آن پرداخته خواهد شد، سرگذشت ایلی است که تاریخ آن تا حد زیادی به دست فراموشی سپرده شده است. سرگذشت ایل مندمی و جنگ‌هایش با حکومت مرکزی و مخصوصاً با روس‌های تزاری که موجب قحطی در روستاهای اطراف سنندج شد. این رویداد هنوز هم زبان‌زد مردمان آن مناطق است که بیش‌تر اوقات با اغراق و اسطوره‌پردازی‌های روستاییان ساده‌دل همراه می‌شود. بعضی از پیرمردهای این روستاها که خود از دور و نزدیک شاهد نبردها، پیروزی‌ها، شکست‌ها، عهد و پیمان‌ها و در نتیجه خیانت‌های حکومت مرکزی بوده‌اند، این جریانات را با آب و تاب تعریف می‌کنند؛ اما متأسفانه تنها چیزی که از سرگذشت و تاریخ این ایل باقی مانده است تنها چند بیت شعر است که بعضی از این ابیات نیز ناتمام و ناقص است. از طرف دیگر با توجه به اهمیت تاریخ شفاهی و لزوم حفظ آن سعی بر آن شد که این ابیات از مردم روستاها و مخصوصاً پیرمردهای آن مناطق جمع‌آوری شده و آن را انتشار دهیم تا از تطور زمان به‌دور بماند.

شاعر این ابیات مشخص نیست؛ اما به قول اهالی روستای "شیرگش" که یکی از املاک ایل مندمی بوده است، شاعر فردی به نام "مه‌لا به‌گه" بوده‌است که خود از نزدیک شاهد جنگ‌های ایل مندمی با حکومت مرکزی و روس‌ها بوده است و



همچنین ناظر بر این جریان بوده که چگونه اعیان شهر سنندج همراه با نماینده‌ی حکومت مرکزی با خدعه و دسیسه سران ایل مندمی را به شهر کشانده و آن‌ها را اعدام کرده‌اند. آن‌چه که از این ابیات پراکنده برمی‌آید مؤید این مسئله است که ایل مندمی همواره برای طبقه‌ی حاکم جامعه از جمله اعیان و زمین‌داران بزرگ مشکل آفرین بوده که اقدام آنها برای سرکوب ایل مزبور را در پی داشته است.

شایان ذکر است که در بعضی از ابیات غلو و اغراق نیز در توجیه شکست‌های این ایل از حکومت مرکزی مشهود است. به عنوان مثال برای این که شکست این ایل از حکومت ایران توجیه شود به لشکرکشی اسماعیل آقا "سمکو" رهبر ایل "شاکاک" علیه آنان اشاره می‌کند که طبق منابع تاریخی چنین حمله‌ای توسط اسماعیل آقا "سمکو" به این ایل صورت نگرفته است.

مطلب دیگری که از این ابیات برمی‌آید، نوع دیدگاه ایلات و عشایر کرد نسبت به جنگ و تقدیر است. طبق این ابیات اینان قبل از جنگ، به نزد پیش‌گو می‌روند تا بتوانند آینده را پیش‌بینی کنند. پیش‌گو فردی به نام "حبیب شاکه" بوده که به قول ابیات شکست این ایل را پیش‌گوئی نموده است. این مسئله همان روحیه‌ی تقدیرگرایی و باور به آینده‌ای محتوم است که از بطن زندگی ایلی و عشیره‌ای تاریخ ایران منتج شده است. به عبارت دیگر می‌توان تقدیرگرایی ایرانیان را منتج از عدم رشد شهر در ایران و نهایتاً عدم رشد تفکر عقلانی و فلسفی دانست. عدم ثبات، کوچ و پایبند نبودن استبداد حکومت قاجاریه و پهلوی نسبت به قول و قرارهای خود با



ایلات؛ از آن جمله سوگند خوردن به قرآن و شکستن این معاهده‌ها، چنین بینشی را تقویت کرده است. از طرف دیگر چون این ایلات و عشایر در محیط بسته‌ی خود بوده‌اند به نظر می‌رسد که از اتفاقات پیرامون خود آگاه نبوده‌اند. برای مثال در این زمینه آنان روس‌ها را از منظر جهان‌بینی و بینش دینی گبر می‌پنداشته‌اند.

یکی دیگر از مطالب جالب توجه‌ای که در این ابیات حائز اهمیت است مسئله‌ی بست‌نشینی است. همواره در طول تاریخ ایران بست‌نشینی یکی از راهکارهای مهار قدرت استبداد حاکمان سیاسی بوده است. به عبارت دیگر؛ برخلاف آن‌چه که محمدعلی (همایون) کاتوزیان تحت عنوان استبداد ایرانی به آن می‌پردازد ساختار قدرت در ایران همواره افقی بوده است نه عمودی. به این معنا که در کنار نماینده‌ی حکومت مرکزی اعیان و شیوخی نیز وجود داشته‌اند که توانسته‌اند از قدرت بی حد و مرز دیگر حاکمان و افراد صاحب نفوذ بکاهند. بنابراین قدرت‌هایی در موازات یکدیگر بوده‌اند که توانسته‌اند استبداد را برای رعایا قابل تحمل کنند که در این ابیات نیز به آن اشاره شده است. در این راستا می‌توان ادعا کرد که قدرت مرکزی در مناطق گردنشین بسیار کم‌رنگ بوده است، مگر آن‌که خود اعیان و رؤسای شهرها از حکومت مرکزی کمک خواسته باشند که در این مقطع تاریخی می‌توان به نقش آیت‌الله "محمد مردوخ" در سرکوب عشایر اشاره کرد که بدون وجود دخالت‌های ایشان سرکوب این ایل غیر ممکن بوده است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد. به عنوان سخن آخر می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که مطالبی که در



صفحات بعدی خواهد آمد، تنها برای آشنا کردن خواننده با جنگ‌نامه است و به هیچ عنوان داعیه‌دار تاریخ کامل و جامع این ایل نیست.

در نهایت از زحمات محمدرضا کلهر، فواد امیری، مراد روحی، عباد روحی، ژاله بولینی، سمیه روحی، سید عدنان برزن‌جی و نجم‌الدین براخاصی که بدون وجود ایشان کتاب کاستی‌های فراوانی داشت کمال سپاسگزاری و تشکر را دارم.

زاهد رضائی

بهار ۹۳

www.ketab.ir